

# تاریخ ستیزی، یعنی ملت ستیزی

دکتر عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

مدیر هیأت مؤلفان و مترجمان ایران و انجمن دانش پژوهان ایران

□ به گزارش خبرگزاری مهر، رییس گروه مطالعات تاریخ وزارت آموزش و پرورش گفته بود که:

«در چاپ جدید کتاب‌های تاریخ در مقاطع راهنمایی و متوسطه رویکرد فرهنگی و تمدن‌پرور، جایگزین تاریخ‌نگاری‌های سیاسی و نظامی و پادشاهان و جنگ‌ها می‌شود و با این رویکرد پادشاهان و جنگجویانی نظیر چنگیزخان مغول یا سلطان محمدشاه و پادشاهان دیگری از این دست، از درس‌ها برداشته می‌شود.»

این گفته، بسیار موجب تعجب و حیرت محققان تاریخ بویژه نگارنده گردید و بسیار تأسف خوردم که این اندیشه‌ی محدود چقدر در سرنوشت آینده‌ی ملت ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت... **ارنست رونان** محقق بزرگ اروپائی می‌فرماید: «مردم کشوری که تاریخ می‌دانند، کودکان‌شان مانند بزرگ سالانند، و مردم کشوری که تاریخ نمی‌دانند، بزرگ‌سالان‌شان همانند کودکان‌اند.»

شخص آگاه همیشه تواناست و هر بدبختی و بدسرانجامی که نصیب بشر خواهد شد، در اثر ناآگاهی است. آگاهی تاریخی یکی از برآزنده‌ترین آگاهی‌های هر انسان زنده‌ی جستجوگراست و ناآگاه بودن هر فرد یا اجتماعی از حوادث و وقایع تاریخ گذشته‌ی خود، غم‌انگیزترین و فاجعه‌بارترین حادثه‌ی زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود و این امر از نادیده گرفتن تجربیات علمی گذشتگان نیز

مذهب‌های ساختگی (مانند دوره‌ی قاجاریه) و غیره، استبداد گروهی محدود را به جای استبداد فردی جایگزین کرده و حربه‌ی مبارزه با استبداد را در عمل از مردم گرفته‌اند و از این طریق به اهداف خود در دراز مدت بیشتر کمک کرده و مطمئن‌تر از پیش شده‌اند و در نتیجه ریشه‌ی پوسیده‌ی فساد را کنده و به جای آن ریشه‌های فساد نو و مطمئن‌تری به نام‌های ظاهر فریبانه‌ی مردم‌خواهی و حمایت از طبقه‌ی محروم و پائین اجتماع کاشته‌اند. زیرا همان‌طور که در **تاریخ جنبش سربداران** نوشته‌ام: «تاریخ دفتر ثبت مطالب دورانی است که دوران دیگر قابل یادداشت می‌داند. تجربیات گذشته تنها در نو و حال قابل تفهیم است. و زمان حال را فقط در پرتو نو و گذشته می‌توان درک کرد.»

به قول **دکتر سیدحسین نصر** محقق برجسته‌ی معاصر: «دیگر نمی‌توان با جهل درباره‌ی گذشته به سوی آینده رفت، چون گذشته فقط گذشته نیست، بلکه ریشه‌ی حال و آینده است. بویژه در مسائل مربوط به تفکر و معارف و امور سیاسی و اجتماعی که فوق زمان و تقسیم‌بندی‌های بین گذشته و حال و آینده قرار داد.»

آگاهی‌های تاریخی بویژه تاریخ سیاسی هر کشور عبرت‌نامه‌ی هر ملتی است که همراه با افتخارات و گاه مذلت‌های عبرت‌انگیزی است که تحقیق در آن برای هر ملت نتیجه بخشی‌های روشنی برای آینده خواهد داشت. افتخارات **کوروش** کبیر، خدمات اجتماعی و ارتباطی و شادی‌آفرینی **داریوش** کبیر، خدمات فرهنگی **نصر بن احمد سامانی** در ایجاد نظم و نثر در، حتی سهل‌انگاری‌های سلطان محمد خوارزمشاهی و شاه

خطرناک‌تر است. زیرا در اثر نادیده گرفتن یک تجربه‌ی علمی، یک عده یا گروهی محدود و معدود در زحمت و ناراحتی قرار خواهند گرفت ولی نادیده انگاشتن تجربیات تاریخی و سیاسی، یک قوم یا ملتی را برای همیشه یا لاقلاً برای مدتی دراز در ورطه‌ی سختی و بدبختی خواهد انداخت، به ویژه با به وجود آمدن انواع پدیده‌های ابداعی استعمارگران حيله‌گر، متأسفانه آن ملت در جهالت و عقب‌ماندگی مطلق باقی خواهد ماند.

تردیدی نیست که خنثی کردن و از بین بردن ترفندهای سیاسی و فکری استعمارگران کهنه و نو که اهداف استعمارگرانه‌ی خود را زیر عناوین حمایت از مردم و آزادی‌خواهی و برقراری دموکراسی و غیره به ملت‌های ناآگاه و عقب‌نگاه داشته شده ارائه و تحمیل می‌کنند و هر زمان با تشکل و شیوه‌ی خاصی زیر عناوین مختلف به ظهور می‌رسانند، جز به آگاهی وسیع تاریخی و سیاسی ممکن نیست.

چه بسیار دیده شده زمانی که ملتی در اثر روشن‌بینی برخی از روشنفکران واقعی و میهن‌پرست خود از جور و استبداد حاکم در کشور خود به جان آمده است، استعمارگران چاره‌اندیش طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده با حربه‌ی آزادی‌خواهی و به منظور رهایی مردم آن سامان از قیدوبند استبداد با ابزار جدیدی تحت لوای استقرار حکومت قانون و پارلمان فرمایشی و ایجاد اختلافات مذهبی و حمایت از انشعاب مذهبی و ایجاد

از آن بگیرند، ولی ایران همیشه باقی خواهد ماند. زیرا اصولاً این ملت نمی‌تواند بمیرد. من هر زمانی که به این ملت می‌اندیشم به فکر آن سنگ خارا می‌افتم که امواج دریا آن را به هر سو می‌غلطانند و به آن ضربت می‌زنند و سرانجام به گوشه و کنار ساحلش می‌افکند تا باد و باران و آفتاب همه‌ی نیروهای خود را برای درهم شکستن آن به کار برند. اما این سنگ خارا هم‌چنان که در اصل وجود داشته، باقی می‌ماند و گذشت زمان و شدت عنصری که به آن حمله‌ور می‌شوند در نابودی آن اثری نخواهد داشت».

## از شاهنامه‌ی امین

سید حسن امین

وطن ای مهین خاک عنبرسروشت  
 که با تو درآمیختم سرنوشت  
 سرای ردانی و آزادگان  
 شبستان عشاق و دلدادگان  
 به خاک تو سر داد، گاه نبرد  
 بسا سربداران و مردان مرد  
 تو ای خاک خرسندی و خرّمی  
 نباشی ز خصم خطاخو غمی  
 به تاریخ تو گر کسی بنگرد  
 تو را مهد فرهنگ و دین بشمرد  
 تویی خاستگاه هنرپروری  
 تویی مهد مردی و گندآوری  
 من ار زخم خوردم به راهت، چه غم؟  
 مباد از سرت مویی ای مام! کم!

## دوست و سرور ارجمند جناب حسن رهبر

درگذشت همسر شایسته و بزرگوارتان را صمیمانه به جناب عالی و خانواده‌ی معظم تسلیت می‌گوییم.  
 روحش شاد و یاد و خاطره‌اش بر دوام باد.  
 مهدی امیرسرداری - پروفیسور سید حسن امین - پاشا بهادری -  
 هادی توفیقی - احمد سمعی - رضا سجادی - یحیی  
 صادق‌وزیری - فضل‌الله کاسمی - محمد کشاورزبان - مهندس  
 کریم معتمدی - دکتر محمدرضا جلالی نائینی - احمد ناظمی -  
 مسعود هدایت (نقل از: روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳ دی ۱۳۸۸)

سلطان حسین صفوی و فتحعلی‌شاه قاجار در مقابل مغولان و افغان‌ها و روسیه‌ی تزاری و غیره را باید مردم ایران به ویژه جوانان به طور گسترده و آگاهانه بدانند و عبرت بگیرند و عواقب غم‌انگیز این سهل‌انگاری‌ها را نصب‌العین حال و آینده قرار دهند. چطور می‌توان خدمات اشکانیان را در مبارزه و قیام بر ضد سلوکیان که مدت ۸۰ سال ایران را زیر سلطه‌ی سیاسی و اندیشه‌ی یونانی ادا می‌کردند نادیده گرفت و مبارزات و دل‌آوری‌های ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث‌صفا و طاهر ذوالیمینین و جلال‌الدین خوارزمشاهی را از یاد برد - (چو اشک و قیامش به یونانیان - تهی کرد ایران ز بیگانگان) چطور می‌توان از پادشاهان سربداران نخستین حکومت شیعه در ایران صرف‌نظر کرد. چطور می‌توان خدمات اولیه نظامی نادرشاه افشار را در مبارزه با قومی که با عده‌ی قلیل ایران را تسخیر کرده بودند، به فراموشی سپرد و در تاریخ قهرمانان ملی ایران به علت جنگجویی آنان را حذف کرد که اگر روزی بیگانه‌ای از آنان نام ببرد، فرزند دانش‌آموخته‌ی ایرانی از آن بی‌اطلاع باشد؟!!

تاریخ با عمیق‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و عقیدتی مردم هر سرزمین ارتباط ناگسستنی دارد. تاریخ مادر علوم انسانی است. هر کس که فراز و نشیب تاریخ کشور خود را نداند، از محیط خود بیگانه است و به همین علت اظهارنظر او در امور اجتماعی و سیاسی ناآگاهانه است. آثار مربوط به پادشاهان که خدمت و خیانت آنان می‌تواند عبرت آیندگان باشد در تشریح و توضیح بیش‌تر آن‌ها در کتاب‌های درسی اقدام کنند زیرا همان‌طور که ژ. بولوس گفته است:

«ایران و روح ایران یعنی ویژگی‌های اخلاقی اصلی و دائمی آن از تمام تحولات سیاسی و اجتماعی جاودانه است. لحظه‌ای تاریکی که کم و بیش بر این کشور گذشته بسیار زودگذر و موقتی بودند، و تغییری که این سرزمین به خود دیده فقط با سطح خارجی ویژگی‌های اخلاقی آن بر خود داشته».

کنت دوگو بینو پژوهشگر و سیاست‌مدار و دانشمند فرانسوی در کتاب خود که مربوط به سه سال سفر در آسیا ۱۸۵۵-۱۸۵۸ میلادی است درباره‌ی تاریخ سیاسی ایران نوشته است:

«هجوم‌هایی که به سرزمین ایران شده و پیروزی‌هایی که ملل و اقوام خارجی در این کشور به دست آورده‌اند، همواره با ناکامی روبه‌رو شده است زیرا فاتحین خارجی در این سرزمین خیلی زود نیروی خود را از دست می‌دهند و نابود می‌شوند، بدون آن‌که بتوانند به شخصیت و آزادی معنوی ایران آسیبی وارد سازند. ممکن است حتی نام آن را

# برگی از تاریخ اقتصاد در ایران از حساب سیاق تا حذف سه صفر از جلوی پول ایران

سید حسن امین

## □ ۱- درآمد

نظام اقتصادی پیشرفته مستلزم داشتن سیستم پولی و مالی کارآمد و شیوه‌های ثبت و ضبط ارقام و اعداد مقبول است. در ایران از عصر هخامنشیان سکه‌های طلا به نام دریک یا زیریک به‌عنوان پول رایج ضرب می‌شد.

واحد پول ایران، تا اوایل عصر پهلوی، «قران» بود. تا سال ۱۲۷۸ ق که «ضراب‌خانه»ی جدیدی در عصر ناصرالدین‌شاه در تهران تأسیس شد، سکه‌های طلا و نقره در شهرهای مختلف ضرب می‌شد. در قرن نوزدهم، «بانک شاهنشاهی» را انگلیسی‌ها و «بانک استقراضی» را روس‌ها تأسیس کردند. این بانک‌ها شریان اقتصادی مملکت را در دست داشتند تا آن که پس از مشروطیت، نمایندگان اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی در ۱۳۲۵ ق تأسیس یک بانک ملی را پیشنهاد کردند و سرانجام با تأخیر چشمگیر اما با کمک گرفتن از کارشناسان و خبرگان آلمانی سرانجام بانک ملی ایران در ۱۳۰۷ تأسیس شد و با سرمایه ۲۰۰۰۰۰۰۰ قران شروع به کار کرد.

## □ ۲- حساب سیاق

از عصر سلجوقیان تا آخر عصر قاجار، یک شیوه‌ی نگارش محاسباتی وجود داشت که به آن سیاق می‌گفتند. حساب سیاق، طریقه‌ی در حسابداری و دفترداری بود که ایرانیان چه در بخش

عدد «صنار» معادل یک قران یا یک ریال (یعنی ده عدد یکصد دیناری) بود و چون هر یک ریال هزار دینار بود، به آن به شکل مخفف «هزار» (یک قران) می‌گفتند.

علائم ارقام حساب سیاق مخفف

حروف یا کلمات معین بود. برای مثال:

۱- برای ده دینار، مخفف کلمه‌ی عشر

(۱۰) عربی نوشته می‌شد.

۲- برای صد دینار، مخفف کلمه‌ی مأة

(۱۰۰) عربی نوشته می‌شد.

۳- برای هزار دینار، مخفف کلمه‌ی

الف (۱۰۰۰) عربی نوشته می‌شد.

۴- برای تومان، همان کلمه‌ی تومان،

به خط شکسته ولی مخفف و مدغم نوشته می‌شد.

واحد پول ایران در اسفند ۱۳۰۸ از

«قران نقره» به «ریال طلا» تبدیل شد ولی

در ۱۳۱۰ ارزش اسمی ریال را از جهت

معادله با طلا به یک صدم قیمت تقلیل داد

و در ۱۳۱۱ ریال‌های جدیدی را به شکل

سکه‌های پنج دیناری، ده دیناری و پنجاه

دیناری و یکصد دیناری (= یک ریالی)

ضرب کرد.

## □ ۴- ارقام جنسی (اوزان)

در علامت‌های مربوط به مقادیر

جنسی (اوزان)، یک خروار به صد من

تقسیم می‌شد و هر من (سه کیلو) به

چهل سیر تقسیم می‌شد و بعد علائمی

برای ده سیر، پنج سیر، نیم سیر وجود

داشت. به علاوه یک سیر معادل پنج درم

بود و اوزان یک درم، دو درم، پنج درم و

حتی شش درم هم در محاسبه می‌آمد.

چنان‌که در **ارجوزه‌های طب سنتی** (از

انتشارات دایرةالمعارف ایران‌شناسی) آمده

است:

دولتی و چه در بخش خصوصی، اعداد، مقادیر و اوزان را به آن شیوه می‌نوشتند و در اوائل عصر پهلوی پس از تشکیل مالیه‌ی جدید منسوخ شد.

حساب سیاق از یک سلسله علامت‌ها که مخفف حروف الفبا بود، تشکیل شده بود. در این شیوه‌ی حسابداری، محاسبات نقدی را بر پایه‌ی تومان و دینار و محاسبات جنسی را بر پایه‌ی خروار، من و سیر مکتوب می‌کردند نوعاً ارقام همه‌ی محاسبات در متن فرمان‌های سلطانی یا قراردادهای خصوصی به حروف و در ذیل آنها به سیاق نوشته می‌شد.

## □ ۳- ارقام نقدی

ارقام نقدی در حساب سیاق، دارای ۵ مرتبه بودند به این شرح:

۱- از یک دینار تا ۹ دینار

۲- از ۱۰ دینار تا ۹۰ دینار

۳- از ۱۰۰ دینار تا ۹۰۰ دینار

۴- از ۱۰۰۰ دینار (یک قران) تا ۹۰۰۰

دینار (۹ قران)

۵- از یک تومان تا ۹ تومان

واحد پول در ایران «دینار» بود. اما

اندک اندک بر اثر تورم، در عمل،

محاسبات نقدی از یک شاهی (معادل

پنجاه دینار) که به آن «یک پول»

می‌گفتند، شروع می‌شد. به یکصد دینار

که مخفف آن صنار (= صد دینار) می‌شود،

«دو پول» می‌گفتند. مثلی ست که: «صنار

جگرک، سفره قلمکار نمی‌خواد!» هر ده

## کوچ دکتر خسرو فرشیدورد

محمدرضا شعبانی - مدرس دانشگاه‌های آزاد و پیام نور

استاد دکتر خسرو فرشید در روز ۱۳۸۸/۱۰/۹ دار فانی را وداع گفت... استاد فرشیدورد تنها دل‌بستگی‌اش به کتاب، تحقیق و فرهنگ دوستی مفرط خاصه به ایران بود. ایشان در بستر بیماری به فکر خانه بود و نگارش مطالب جدید، پیش از این می‌گفت هنوز چند کتابی هست که باید آنان را به چاپ برسانم. این حقیر قریب به ده سال در منزل شخصی استاد، شاگردی کرد، و به استاد همراه با برخی دانشجویان دیگر ایشان، در تألیف و پاکت‌نویس کتاب‌های اخیرشان کمک می‌کردیم.

امیر خسرو فرشیدورد به سال ۱۳۰۸ ه.ش. در ملایر چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا کلاس دهم در زادگاه خود ادامه داد و سپس برای اخذ دیپلم به تهران در دبیرستان البرز آمد و با معلمان آن‌جا که بهترین استادان عصر خویش محسوب می‌شدند، نظیر استاد ذبیح‌الله صفا آشنا شد. در ۱۳۲۹ از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، لیسانسیه شد. در ۱۳۳۸ فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی و در ۱۳۴۰ فوق‌لیسانس علوم اجتماعی و در ۱۳۴۲ درجه‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود. استاد فرشیدورد از همان اوایل کار تحقیقاتی در موضوعات زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی، نقد ادبی و پژوهش‌های ادب معاصر علاقه نشان داد و همین علاقه‌مندی سبب شد که بعدها هم‌چنان در این چند تخصص به کار خود ادامه داده و به‌عنوان یکی از سرشناس‌ترین استادان در امر دستور زبان در دانشگاه‌های ایران شناخته شود. سفرهای علمی ایشان به کشورهای اروپایی و امریکا همگی در جهت تکمیل کار تحقیقاتی ایشان در باب دستور زبان و زبان‌شناسی بود.

مهارت و قدرت استفاده‌ی استاد فرشیدورد از زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، عربی کمک شایانی در تحقیقات دستوری و زبان‌شناسی کرد. استاد به حق یک محقق نستوه در باب دستور زبان و زبان‌شناسی سنتی بود و تا آخرین روزهای عمرش همواره با مطالعه و تحقیق و نکته‌برداری و یادداشت، لحظات پربرکت زندگی خویش را پشت سر می‌نهاد. استاد از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ عضو لغت‌نامه‌ی دهخدا بود. از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ استادیار دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان و از ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ استادیار دانشگاه تهران و از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ دانشیار این دانشگاه بود و از آن تاریخ به بعد به‌عنوان استاد به کار ارشاد و تربیت دانشجویان پرداخت.

استاد فرشیدورد از نخستین کسانی است که پیش از ایجاد گروه زبان‌شناسی در دانشگاه تهران، با نوشتن مقالاتی در باب زبان‌شناسی جدید و لزوم معرفی به جامعه‌ی دانشگاهی، اقدام نمود و بسیاری از «زبان‌شناسان امروز از راه خواندن نوشته‌های ایشان این رشته را برای تحصیل خود انتخاب کردند و به تدریس در دانشگاه‌ها پرداختند.

(یادگارنامه‌ی استاد فرشیدورد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سال ۱۳۷۷، ص ۴)

آثار: عربی در فارسی سال ۱۳۴۴، دستور امروز، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه ۱۳۴۸، زمیهنهت دفاع کن، ۱۳۵۴ (مجموعه‌ی شعر)، نقد شعر فارسی، چاپ وحید ۱۳۵۰، فارسی سوم دبیرستان‌ها، چاپ ۱۳۵۵، در گلستان خیال حافظ، ۱۳۵۷، تنظیم یک جلد از لغت‌نامه‌ی دهخدا (حرف واو) ۱۳۵۴، درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی ۱۳۶۳...

یک درم زرنب اگر کوبی صبح

پس خوری با شربت به ده درم

قوت دل بخشد و آرد فرح

بادها را بشکند، بندد شکم

## ۵- اصلاحات عصر پهلوی

در ۱۳۰۴ قانون واحد مقیاس پول ایران در ۱۴ ماده موضوع اصلاح واقع شد و مأخذ پول که در گذشته با عناوین پاپاسی، غاز، شاهی، عباسی و غیر آن‌ها جریان داشت، به ریال تبدیل شد. هماهنگ با آن اصلاحات، مأخذ اوزان و مقادیر نیز باید تغییر می‌یافت لذا اوزان درم، مثقال، اوقیه، چارک، من، ری، خروار و مقیاس‌های طولی مانند وجب، انگشت، ذراع، نخود و امثال آن‌ها و هم‌چنین مقیاس واحد سطح مانند جریب، پیمان، گاو بندی و امثال آن‌ها به موجب قانون مورخ ۱۸ دی ۱۳۱۱ به سیستم متری تبدیل شد.

بر اثر تورم و کم‌ارزش شدن ارقام پولی، در اول تیرماه ۱۳۱۶ یک پول، سنار و دینار از جریان پولی کشور خارج شد و «ریال» که هزار دینار بود، واحد پول ایران معین شد.

## ۶- نتیجه

در ۱۳۱۶ شمسی سه صفر از جلوی واحد پولی ایران برداشته شد. اکنون در ۱۳۸۸، بار دیگر ارزش پول به اندازه‌ی کمی کم شده است که بسیاری از متخصصان پولی و مالی، پیشنهاد کرده‌اند که سه صفر دیگر از جلوی واحد پولی ایران برداشته شود. به نظر ما شاید بد نباشد که دولت، عرف جامعه را که در محاوره به تومان و نه ریال صحبت می‌شود، منظور بدارد و چهار صفر را از جلو واحد پولی بردارد تا از این پس هر یک هزار تومان (هر ده هزار ریال) بشود، یک تومان. این پیشنهاد، کاملاً واقع‌نگرانه است؛ به این معنی که قدرت خرید یک ریال در ۱۳۱۶ با یک هزار تومان امروز برابر است. ■